



بدرود رفیق خولیو

خبر کوتاه بود: گودرز برومند درگذشت. درد اما جانفرساست. گودرز هم رفت و به رفتگانی پیوست که مشعلدار مبارزه علیه رژیم شاه بودند.

گودرز برومند برای تمامی آنانی که پیش از انقلاب در ایتالیا تحصیل می‌کردند، نامی آشناست. او در شهر رم پزشکی تحصیل می‌کرد و نقش به‌سزایی در جنبش دانشجویی داشت.

گودرز در ۲۰ دی‌ماه سال ۱۳۱۹ در اصفهان به دنیا آمد. در تمامی سال‌های مدرسه شاگردی ممتاز بود و در این راستا جوایزی نیز دریافت داشت. پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل رهسپار ایتالیا شد و در شهر رم تحصیل در رشته پزشکی را آغاز کرد. او نیز مانند صدها دانشجوی آزادیخواه فراتر از خویش و زندگی شخصی خود فکر

می‌کرد. در آرزوی ایرانی آزاد و آباد به محافل دانشجویی راه پیدا کرد. با خسرو صفایی، پرویز واعظزاده، شکوه طوافچیان و فریده گرمان آشنا شد. همگام و همراه آنان با اندیشه‌های مارکس آشنا گردید و گام به راه مبارزه نهاد. و در همین راستا بود که به سازمان انقلابی حزب توده ایران که تازه تأسیس شده بود، پیوست.

مبارزه برای گودرز در این ایام نه تنها در فکر، در عمل معنا می‌پذیرفت. او جهانی بزرگتر را آرزو داشت و در دستیابی به این جهان بود که در تیرماه سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) به همراه گروهی به کوبا اعزام شد تا آموزش چریکی-نظامی دیده، خود را برای انقلاب در ایران آماده سازد. در کوبا به رسم رفتاری انقلابی و چریکی هر یک نامی مستعار بر خود می‌گذاشت تا هویت اصلی او ناشناخته بماند. خولیو نامی بود که گودرز به آن نامیده می‌شد؛ رفیق کماندانت خولیو.

پس از بازگشت از کوبا در سال ۱۳۴۶ به عنوان پزشک به همراه تنی چند داوطلبانه به ایران بازگشت تا بنیاد سازمان انقلابی را در داخل کشور پی‌افکنند. در این سفر برادر گودرز، گرسیوز و همچنین پرویز واعظزاده، خسرو صفایی و معصومه طوافچیان همراه بودند.

از گروه اعزامی، گودرز به ظاهر زندگی عادی آغاز کرد. ابتدا در شهر گرگان در بیمارستانی مشغول به کار شد. توصیه پدر را که سرهنگ بازنشسته ارتش بود، مبنی بر گشودن مطبی در منطقه‌ای ثروتمند از اصفهان، به گوش نگرفت و کار در بیمارستان را ترجیح داد. می‌خواست در کنار کسانی باشد که برای بهتر شدن زندگی‌شان فعالیت آغاز کرده بود.

در سال ۱۳۴۹ برادرش گرسیوز بازداشت شد. گودرز کار پزشکی را رها کرده، به تهران رفت تا در کنار واعظزاده کار مبارزه را پیش ببرد. به پیشنهاد واعظزاده مخفیانه از طریق خلیج از ایران خارج شد. به اروپا برگشت و مبارزه را این بار در شرایطی دیگر ادامه داد.

در سال ۱۳۵۵ سازمان انقلابی در یاری به رزمندگان فلسطین یک گروه پزشکی با مسئولیت گودرز به فلسطین اعزام داشت. این گروه که شامل چند پرستار و دانشجو بود تا سال ۱۳۵۷ در آن منطقه ماند و با خدمات پزشکی به جنبش و مردم فلسطین یاری رساند. "دکتر هاشم" که کسی جز گودرز نبود، بسیار سریع محبوب عرب‌های منطقه شد.

با انقلاب ایران گودرز دگریار به ایران بازگشت، در یکی از مناطق فقیرنشین اصفهان مطبی گشود تا در خدمت محرومان باشد. در یورش رژیم به نیروهای مخالف، جان سالم بدر برد و به کار خویش ادامه داد. گودرز چند سال اخیر مریض بود و همین مرض او را به بیمارستان کشاند. یک ماه بستری بود تا این‌که در ساعت دو و نیم روز جمعه ۲۴ ماه نوامبر در بیمارستان درگذشت. دکتر گودرز برومند رفت، اما آرمان‌های انساندوستانه‌اش خواهد ماند. او رفت اما یاد و نام او در ذهن یاران و دوستانش خواهد ماند. تلخ است مرگ. تلخ است شنیدن از مرگ. تلخ است رفتن یاران، یارانی که تو را جان بودند. گودرز هم رفت. بدرود رفیق خولیو. بدرود. با تسلیت به شیدای عزیز، همسر گودرز، و فرزندان و خانواده‌اش.